

به نام خدایی که در این نزدیکی است ...

تقدیم به عمه‌ام که به خاطر خطاهای من فحش‌ها شنید!

من از نهایت شب حرف می‌زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانه من آمدی برای من ای مهربان چراغ بیاور

و یک درپچه که از آن به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم

«فروغ»

شرزوشان: آقای عبدالحمیدی کتابی که تألیف کرده‌ای به درد کیا می‌خوره؟

من: به نام خدایی که در این نزدیکی است، با سلام و درود خدمت همه بزرگان از حضرت

آدم گرفته تا آخرین نفری که در کسره زمین زنده خواهد بود، البته من کوچک‌تر از آنی

هستم که بخواهم جواب سؤالات شخص شخیصی همچون شما را بدهم، اما حسب‌الامر

خانم مغتار که مرا به نوشتن مقدمه دلالت فرمودند، می‌گویم: این کتاب برای همه

دانش‌آموزان نظام جدید در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم و دلوطلبان کنکور سراسری

و آزمون‌های المپیاد و هر آزمون دیگری که هر معلمی در هر جای کره خاکی صلاح

بداند مفید و لازم است.

شرزوشان: آقای محترم! همیشه سؤالات را کوتاه جواب بدهید؟

من: خیر! چون سؤال بعدی شما، جواب طولانی خواهد داشت ☺

شرزوشان: با تشکر، بفرمایید محتوای این کتاب و فصل‌های آن را برای بینندگان، شنوندگان،

خوانندگان، رانندگان و این‌ها توضیح دهید.

من: کتاب لغت و املاي نظام جدید آنقدر مفصل و کامل است که خود فردوسی هم اگر بود

این کتاب را از منابع معتبر کنکور غیر سراسری توس اعلام می‌کرد.

شرزوشان: جان مادران حاشیه نروید، به قول خودتان یا خودشان:

«ألا یا ایها الطلاب ناشی علیکم بالمتون لا بالتحاشی»

من: چشم! شما کمی استراحت کن، من جواب این سؤال را بدهم، این کتاب بخش‌های متنوع،

متعدد، متنوع، متلاکب و مشعشعی دارد:

α ← **دو کلمه حرف حساب:** که در آن نحوه برخورد با تست‌های لغت و املا و تکنیک‌ها و راهکارهای

کلی را بیان کردیم و به چند سؤال رایج بچه‌های جان پاسخ دادیم.

β ← **لغت و املاي درس به درس**: این فصل مفصل‌ترین فصلی کتاب است که تمام لغاتِ معنی شده در واژه‌نامه (کنار کلماتی که در واژه‌نامه معنی شده ستارهای گذاشته‌ام و در ابتدای هر درس آورده‌ام) و معنی نشده و گروه کلمات مهم املايي را (به همراه جای خالی برای تمرین و تکرار املا) به صورت درس به درس معکوس - یعنی از دوازدهم سپس یازدهم و آن‌گاه دهم - آورده‌ام.

خبرخوانه: تست درس به درس هم دارد؟

من: اگر دندان روی چگر می‌گذاشتی، داشتم همین را توضیح می‌دادم که بعد از هر کتاب، تست درس به درس لغت و املاي مربوط به همان کتاب را قرار دادم.

خبرخوانه: اصلاً من تا پایان جواب این سؤال در افاق محو می‌شوم.

من: بشو! و اما بعد ...

γ ← **تشابهات املايي و معنایی**: مگر می‌شود کتاب املا و لغت فصل تشابهات نداشته باشد! این تشابهات، هدفمند و سازگار و در راستای مطالب کتاب‌های نظام جدید آموزشی هستند.

δ ← **زنجیره‌های املايي**: این فصل را خیلی دوست دارم، یک لغت را به عنوان سرگروه قرار دادم و هر آن چیزی که این لغت، به ذهن می‌رساند از نظر املايي و معنایی، بی‌دری آوردم، فکر کنم بچه‌ها، خیلی چیزها اینجا (یعنی آنجا) بیاموزند!

ε ← **صد بیت و صد متن املايي**: هر چقدر هم که کلمات و گروه‌ها را بلد باشیم، باز هم در مواجهه با متن است که باید بتوانیم املاي درست را تشخیص بدهیم! این فصل برای آینده شدن است و تمرین بسیار کارآ و مؤثری است، پس: DO IT!

خبرخوانه: ببخشید! استادین احترامتون واجب، از حروف الفبای یونانی استفاده کردین، چیزی نگفتم، حالا کارتونه به جایی رسیده که در کتاب لغت و املاي فارسی از جمله انگلیسی

استفاده می‌کنید ای وای بر ما! جای دایی جان ناپلئون خالی!

من: خرو جان! اگر می‌خواهی فارسی حرف بزنی، حداقل بگو فارسی نه فارسی که خودش ولزّه عربی است!

خبرخوانه: عیدل جان من اشتباه کردم! جان مادرت توضیح بده، کار دارم باید شیفت بعدازظهر

برم اسنب، می‌دونی که با حقوق خبرنگاری نمی‌شه از پس هزینه‌ها براومند!

من: برو بریم ...

۱- **دسته‌بندی‌ها،** این فصل خیلی باحاله، کل کتابای دوازدهم (یا همون فارسی ۳، یازدهم (یا همون فارسی ۲) و دهم (یا همون فارسی ۱) را آتقدر اینور اونور کردم تا کلی دسته‌بندی جالب درست کنم که بچه‌ها خیالشون راحت باشه مثلاً حیواناتی که در کتاب هست، مکان‌ها، زمان‌ها، چیزهای مربوط به بگش‌بگش و جنگ، امور موسیقی - البته مجازش - تازه به طور خودجوش، عکس سازها رو هم سانسور کردم، مجموعه متضادها و جمع‌های مکسر و لباس‌ها و گل و گیاهان و اینا و ...

خبرخوان: جناب استاد علیرضا اولاً که ترتیب حروف الفبای یونانی را بلد نیستی، بعد از ۵ که نیست، دوّمأ - ببخشید ثانیاً - دمتون گرم، پس کتاب پر و بیمون و کاملیه؟
من: آره ولی تو رو خدا اینجا تملق و پاچه‌خواری یا پاچه‌خاری ☺ رو بذار کنار، درلم فصل‌های کتاب رو توضیح می‌دم!

۲- **تست کلی،** این فصل، هم تست کلی لغت و املائی کتاب به کتاب داره و هم، یک قسمت خیلی خیلی ویژه و اونم تست کلی املا با تیپ‌بندی‌های مختلف؛ دقیقاً شش تیپ تست املا را آورده‌ام و در ابتدای هر کدام، نحوه برخورد با آن را توضیح داده‌ام.
خبرخوان: دم شما گرم، این تست‌ها و کلاً این کتاب پاسکنامه تشریحی هم داره؟
من: بَ نَ بَ!

۳- **پاسکنامه تشریحی،** توضیح و تشریح و پاسخ تمام تست‌های کتاب - مین آیدو الی الختم - در انتهای کتاب آمده است!

خبرخوان: آیا بچه‌ها می‌توانند وقتی معنی واژه‌ها و املائی یک درس را خواندند سریع به سراغ تست‌های آن بروند؟

من: خرزو جان سوآلت جالب و بجا بود، نه! نمی‌توانند، اساساً در بحث‌های حفظی نباید بدون فاصله زمانی، سراغ تست رفت؛ چرا که مطلب در حافظه کوتاه مدّت است و هنوز ماندگار نشده و در آن لحظه بچه‌ها جواب سؤال را درست می‌دهند و بعد فراموش می‌کنند! توصیه می‌کنم حتماً یک فاصله حداقل چند ساعته قرار دهند.

خبرخوان: اساساً بچه‌ها یا چه ترتیبی از کتاب استفاده کنند؟

من: براساس برنامه درسی و محتوای آزمون‌هایی که می‌دهند به سرفصل مربوط مراجعه کنند؛ البته فصل‌هایی مثل تشابهات، زنجیره‌ها، دسته‌بندی‌ها، صد بیت و صد متن و املاهای کلی، فرا سرفصلی هستند و طبق یک برنامه تعیین شده از آن‌ها بهره ببرند.

خُرزوخان: در پایان از مسئولین تشکری داری؟

من: بده! اولاً از تمام مسئولین خصوصاً تیم اقتصادی کشور که قیمت کاغذ را مدیریت نموده و ...
خُرزوخان: بابا عبدل جان دلت پُررها! منظورم کسانی از انتشارات الگو که دوست داری اسمشون رو بیاری بود.

من: آهان! اول از همه، محمدحسین خان متولی

دوم از همه، سگینه خانم مختار

سوم از همه، بچه‌های گروه تالیپ و ویراستاری، مهرناز فخری، راضیه صالحی و ...

چهارم از همه، زهرا خاندن فیض به خاطر طراحی‌های داخل کتاب

پنجم از همه، نهم جان ندین که هنرش داره جهانی میشه و زحمت جلد رو کشید، اونم چه جلدی!

ششم از همه، دوتا داداش خندان یا محبت: حمید و مرتضی اونم از نوع فخری

هفتم از همه، بچه‌های پایین که پر از انرژی و روحیه‌اند، مهدی و امید و یوسف و مهرنادر و رضا

خُرزوخان: استاد عبدالمحقردی بچه‌ها اگه از این کتاب سؤال داشتن، کجا ازتون پیرسند؟

من: خرزوجان! تقدیراستاداستادنگواستاد یعنی دکتر شفیعی گل‌کنی، استاد یعنی دکتر فرهاد طهماسبی،

استاد یعنی دکتر سیروس شمیسا، استاد یعنی تمام معلمین و دبیرانی که بی چشم داشت در

محرورترین مناطق این سرزمین پرریح، برای گسترش ادب فارسی می‌کوشند.

خُرزوخان: غلط کردم بیخوشید! علیرضا جان، جواب سؤال رو بده، بچه‌ها کجا سؤالاشون رو ازت پیرسن؟

من: تو کانال‌های تلگرام و پیج اینستاگرام به این آدرس‌ها:

oigoo_adabiat

azmoon_adabiat

alireza_abdolmohamadi

خُرزوخان: اگه کسی، معلمی، مشاور، دانش‌آموزی و ... نظری درباره کتاب داشت، بیهت

بگن خدایی در نظر می‌گیری؟

من: آره! تازه اسمشون رو هم، بابت تشکر و سپاس در مقدمه می‌آرم.

خُرزوخان: با تشکر از شما که وقت خود را در اختیار ما قرار دادین، من برم مسافرا منتظران!

من: بدرود و دو صد درود!

خُرزوخان: راستی! یه شعر باحال این آخر بنویس بچه‌ها حال کنن! میشه از ایرج میرزا

بنویسی؟ جان من؟

من: باشه ☺

شعری از ایرج میرزا به خواسته خرزو خان تقدیم به دوستان،

روزی به رهی مرا گذر بود	خوااییده به ره، جنابِ خر بود
از خرتونگو که چون گهر بود	چون صاحبِ دانش و هنر بود
گفتم که جناب در چه حالی؟	فرمود که وضع باشد عالی
گفتم که بیا خری رها کن	آدم شو و بعد از این صفا کن
گفتا که برو مرا رها کن	زخمِ تنِ خویش را دوا کن
نه ظلم به دیگری نمودیم	نه اهل ریا و مکر بودیم
راضی چوبه رزقی خویش بودیم	از سفره کس نان نرودیم
دیدى تو خرى گشاد خرى را؟	يا آنکه بُرد ز تن سرى را؟
دیدى تو خرى که کم فروشد؟	يا بهرِ فریبِ خلق، گوشد؟
دیدى تو خرى که رشوه خوار است؟	يا بر خرِ دیگری سوار است؟
دیدى تو خرى شکسته پیمان؟	يا آنکه ز دیگری بُرد نان؟
دیدم سخنش همه متین است	فرمایش او همه یقین است
گفتم که ز آدمی سرى تو	هر چند به دید ما خرى تو
بنشستم و آرزو نمودم	بر خالق خویش رو نمودم
ای کاش که فلان خریّت	جاری بشود به آدمیت

دوستتون دارم

علیرضا عبدالمعتمدی

فهرست

۳۶۷	لباس و لباس‌جات	فصل شصت و دو: کلمه حرف حساب	تکنیک‌های تست لغت و املا	۲
۳۶۸	عرفانی‌جات	فصل اول: لغت و املاي فارسي ۱۲	درستنامه لغت و املاي فارسي ۱۲	۶
۳۶۹	مکان‌جات	تست‌های درس به درس فارسي ۱۲	۲۲	
۳۷۱	متضادجات	فصل دوم: لغت و املاي فارسي ۱۱	درستنامه لغت و املاي فارسي ۱۱	۱۰۰
۳۷۲	جمع مکثرجات	تست‌های درس به درس فارسي ۱۱	۱۶۲	
۳۷۴	خدای‌نامه	فصل سوم: لغت و املاي فارسي ۱۰	درستنامه لغت و املاي فارسي ۱۰	۱۹۴
۳۷۵	زمن‌جات	تست‌های درس به درس فارسي ۱۰	۲۷۸	
۳۷۵	پول‌جات	فصل چهارم: تشابهات املايي و معنایی	تشابهات املايي	۲۹۶
۳۷۶	موسیقی‌جات	تشابهات معنایی	۳۱۹	
۳۷۶	فنون‌جات	فصل پنجم: زنجیره‌های املايي	زنجیره‌های املايي	۳۲۲
	فصل نهم: تست‌های کلی فارسي ۱۰، ۱۱ و ۱۲	فصل ششم: صد بیت املايي خارج کتاب	صد بیت املايي خارج کتاب	۳۳۸
۳۷۸	تست‌های کلی فارسي ۱۲	پاسخ صد بیت املايي خارج کتاب	۳۴۷	
۳۸۲	تست‌های کلی فارسي ۱۱	فصل هفتم: صد متن املايي خارج کتاب	صد متن املايي خارج کتاب	۳۵۰
۳۹۰	تست‌های کلی فارسي ۱۰	پاسخ صد متن املايي خارج کتاب	۳۵۹	
	فصل دهم: تست کلی املا	فصل هشتم: دسته‌بندی‌ها	چک و جانورجات	۳۶۲
۳۹۸	تیپ A	چنگی‌جات	۳۶۴	
۴۰۷	تیپ B	گیاه و سبزیجات	۳۶۶	
۴۲۲	تیپ C			
۴۳۵	تیپ D			
۴۵۹	تیپ E			
۴۶۱	تیپ F			
	فصل یازدهم: پاسخ‌های تشریحی			
۴۶۴	پاسخ تشریحی تست‌های درس به درس			
۱۰ و ۱۱، ۱۲	پاسخ تشریحی تست‌های کلی فارسي			
۴۸۴				
۴۹۲	پاسخ تشریحی تست‌های کلی املا			
۵۰۸	کنکور سراسری ۱۴۰۰			



تکنیک‌های تست لغت و املا

سؤال ۱ در تست لغت به چه چیزهایی توجه کنیم؟

مفرد و جمع بودن واژه: اگر واژه مفردی جمع معنی شود و یا برعکس غلط است.

مثلاً: «بنان» یعنی «انگشت» نه انگشتان!

اسم و صفت بودن واژه: اگر واژه‌ای که صفت است اسم معنی شود یا برعکس غلط است.

مثلاً «اگر اه» یعنی «ناخوشایند بودن» که اسم است. اگر آن را «ناخوشایند» که صفت است، معنی کنیم، غلط است.

اگر کلمه A معنی B بدهد و کلمه B معنی C بدهد، لزوماً کلمه A معنی C نمی‌دهد. مثلاً «هویدا» روشن و «روشن» خاموش نبودن و «ولی» هویدا معنی خاموش نبودن نمی‌دهد.

اگر کلمات A و B معنی C بدهند لزوماً A و B هم معنی نیستند. مثلاً «معهود»: شناخته‌شده و «مشهور»: شناخته‌شده، اما «معهود» و «مشهور» هم معنی نیستند.

در تست لغت منبع اصلی واژه‌نامه خود کتاب‌های درسی است اما از لغات معنی‌نشده در واژه‌نامه هم بارها سؤال طرح شده است. پس فقط واژه‌نامه را بخوانید و پس از خواندن آن، بر لغات غیر واژه‌نامه‌ای مسلط شوید.

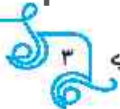
در خواندن واژه‌نامه کتاب درسی اگر کلمه‌ای چند معنی داد، تمام معانی آن را بخوانید نه فقط معنی اول! اگر کلمه‌ای دارای توضیحات مفصل است باید کلمه به کلمه تا آخر حفظ باشید (متأسفانه).

در معنی کلمه اگر معنی کلی بدون توضیح آورده شود هم درست است ولی اگر توضیح همراهش باشد، حتماً باید آن توضیح هم درست باشد.

مثلاً «کرنند: آسبی که رنگ آن میان زرد و بور باشد» اگر در تستی بگوید «کرنند: آسب» صحیح است اما اگر بگوید «کرنند: آسبی که به رنگ سرخ تیره باشد» غلط است.

اگر در معنای کلمه‌ای در واژه‌نامه آمده باشد A: مجازاً B یا A: کنایه از B اگر در تستی بگوید A: B نباید سریعاً آن را درست یا غلط بگیریم و این مورد را با توجه به سایر اطلاعات سؤال باید حل کنیم. گرچه در کنکور نظام قدیم موردی داشتیم که خود کنکور این حالت را درست گرفته بود.

مثلاً: «وادی: مجازاً بیابان» اگر در تستی بگوید «وادی: بیابان» با توجه به سایر اطلاعات سؤال و واژه‌های موجود، درست یا غلط بودن را تعیین می‌کنیم.



برعکس معنی، از مولود طرح تست می‌تواند باشد. یعنی اگر در کتاب آمده است $B : A$ می‌تواند $A : B$ را ببرد. گرچه این نکته ساده به نظر می‌رسد اما اگر به واژه‌نامه کتاب درسی مراجعه کنید و برعکس معنی را از خود سؤال کنید می‌بینید که چندان هم ساده نیست!

سؤال ۲ در تست املا به چه چیزهایی توجه کنیم؟

بدیهی است هر وله‌ای ارزش املائی ندارد و در تست‌ها همه کلمات را بررسی نمی‌کنیم؛ مهم‌ترین کلمات املائی آن‌هایی هستند که دارای حروفی از این شش گروه می‌باشند: (ع-ع)، (ت-ط)، (س-ص-ث)، (ح-ه)، (ز-ذ-ض-ظ) و (ق-غ). مورد دیگری که حتماً بررسی کنید «الف» موجود در فعل‌هاست که گاهی زاید است. مثلاً «ب-ب انداخت» بیداخت» اگر به صورت «بیاداخت» نوشته شود غلط است. کافی است به چیزی که نوشته‌ایم توجه کنیم و آن را بخوانیم. باید بودن یا نبودنش به راحتی مشخص می‌شود. در حقیقت «ا» حذف شده و «ی» میانجی به جای آن آمده است. البته بدیهی است هر جا «الف» در فعل می‌بینیم غلط به حساب نمی‌آید: «بایست» درست است.

به «ه» در بعضی کلمات که واج میانجی «گ» به جای آن آمده است دقت کنید. مثلاً: «آسوده + ی ← آسودگی» نه آسوده‌گی!

سؤال ۳ در تست املا به چه چیزهایی توجه نکنیم؟

- سرکج (پراکنده - پراکنده)
- سر هم و جدای معمولی (دل‌داده - دل‌داده)
- نقطه
- دندان
- تشدید (مگر در مولودی که تأکید بر غلط رسم‌لخطی دارد یا به ویرایش فنی اشاره شده است یا مستقیماً از خود تشدید سؤال شده)
- «ع» و «ی» به جای هم (آئینه - آینه)

سؤال ۴ تفاوت املا و رسم‌الخط چیست؟

غلط‌های رسم‌لخطی عموماً ناظر بر «الف» زاید موجود در بعضی فعل‌ها (مثل بیافکند)، تشدید و موارد ریز این‌چنینی است. اگرچه «الف» زاید موجود در بعضی فعل‌ها، غلط املائی هم محسوب می‌شود و در تست‌ها دقیقاً خط مرز مشخصی بین این دو نمی‌توان قائل شد. توصیه می‌کنم اگر در صورت سؤال‌ی به رسم‌الخط اشاره شده بود عملاً خود سؤال به نوعی راهنمایی می‌کند که به «الف» فعل یا ... توجه کنید.

سؤال ۵ آیا تست املا را می‌توان با تکنیکی در زمان کوتاه حل کرد؟

در نوعی از تست‌های املا (نوع A در این کتاب) که متنی را در صورت سؤال داریم و وله‌هایی در گزینه‌ها می‌توان از تکنیکی که آن را «E-method» نامیده‌ام بهره گرفت. این تکنیک بسیار ساده و راهگشاست و گاهی باعث کاهش زمان خیره‌کننده‌ای می‌شود؛ بدین صورت که بدون توجه به متن سؤال مستقیماً سراغ گزینه‌ها می‌رویم و در مورد کلمات تک‌املایی (کلماتی که تشابه املائی ندارند) تصمیم می‌گیریم، گاهی با این تکنیک دو یا حتی سه گزینه حذف می‌شوند. این تکنیک را با مثالی از کنکور سراسری توضیح می‌دهم:

تست ۱. در متن زیر، املاي کدام واژه نادرست است؟

سراسری - ۹۳

«درویشی و فقر، اصل بلاها و زایل‌کنندهٔ زور و حیثیت و مجمع شرّ و آفت است. عبارتی که توانگری را مدح است، درویشی را مذمت است. درویش اگر سخلوت ورزد به افراط و زیاده‌روی مشوب شود و اگر در اظهار جلم کوشد، آن را ضعف شمرند و اگر فساحت نماید، بسیار گوی باشد.»

(۱) متسوب (۲) فساحت (۳) حیثیت (۴) مذمت

پاسخ: با نگاهی به گزینه‌ها و بدون توجه به متن سؤال، پاسخ، که گزینه (۲) است، به دست می‌آید چرا که «فساحت» در معنای متعارف خود، تک‌املایی است!

سؤال ۶ تکنیک قرینه‌یابی چیست؟

فرض کنید شما با تلاش فراوان! جدول تشابهات املائی را در حدّ حقیقی! بلدید. مثلاً می‌دانید «صواب و ثواب» چه معانی دارند حال در متن املائی (خصوصاً متن‌های شمارشی) از کجا باید فهمید که کدام این‌ها درست‌اند؛ شاید بگویید خوب مشخص است: «از راه معنی کردن متن»: اما کمی که در املا جلو بروید متوجه می‌شوید بسیاری از متون املائی دارای معنی پیوسته و مشخص و کاملی نیستند چرا که متن اصلی دست‌کاری و کم و زیاد شده و حتی از جهای مختلف یک متن دو جمله گاهی بی‌ربط به هم چسبیده است. در این مولود از تکنیک قرینه‌یابی استفاده می‌کنیم. یعنی از حول و حوش همان کلمه استفاده می‌کنیم و از مترادف‌ها، متضادها، زیرمجموعه‌ها و سایر مواردی که در یافتن معنی و املائی درست کلمه به ما کمکی می‌کند استفاده می‌کنیم؛ مثال ساده‌اش این است که شما به راحتی می‌فهمید ترکیب «ثواب و درست» غلط است و «صواب و درست» صحیح است. در این مورد شما از قرینه «درست» بهره برده‌اید. البته این قرینه همیشه به این سادگی نیست و شما یا زدن تست، قرینه‌یاب ماهر می‌شوید!



درس ششم

■ نینامه

■ آفتاب جمال حق

● اشتیاق، میل قلب است به دیدار محبوب؛ در متن درس، کشش روح انسان خداجو در راه شناخت پروردگوار و ادراک حقیقت هستی ●

● ایدونک، ایدون که؛ ایدون: این چنین ●

● بدحالان، کسانی که سیر و سلوک آنها به سوی حق، کند است. ●

● بی‌گاه شدن، فرا رسیدن هنگام غروب یا شب ●

● برده، در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتب، حجاب ●

● تاب، فروغ، پرتو ●

● تریاق، پادزهر، ضد زهر ●

● حریف، دوست، همدم، همراه ●

● برحسب، مطابق، طبق ●

● خوش‌حالان، رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان‌اند. ●

● دستور، اجازه، وزیر ●

● دمساز، مونس، همراز، درد آشنا ●

● سورا، جشن ●

● شرحه شرحه، پاره پاره؛ شرحه: پاره گوشتی که از درازا بریده باشند. ●

● شیون، ناله و ماتم، زاری و فریاد که در مصیبت و محنت برآیند. ●

● ظن، گمان، پندار ●

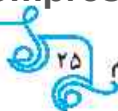
● مستغرق، مجذوب، شیفته؛ مستغرق گشتن: حیران و شیفته شدن ●

● مستمع، شنونده، گوش‌دارنده ●

● مستور، پوشیده، پنهان ●

● تفسیر، فریاد و زاری به صدای بلند ●





- نیستان، نی‌زار، جایی که نی فراوان روییده باشد.
- فراق، دوری، هجران، جدایی.
- نیست باد، نابود باد (در مضارع دوم).
- بی‌روزی، بی‌نصیب، درویش، بی‌نوا.
- اسلوب، شیوه، گونه، طرز.
- فرزانه، دانشمند، حکیم.
- کَلْ شِئٍ یَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ، هر چیزی سرانجام به اصل و ریشه خود بازمی‌گردد.
- تجلّی، پدید آمدن، نمایان شدن، هویدایی.
- قرب، نزدیکی، نزدیک شدن، متضاد بُعد.
- عرضه دهد، بیان کند.

املا و تکرار

.....	صاحب سخن	حکایت
.....	اسلوب معادله	شرح‌شرحه از فراق
.....	استقلال نحوی	اصل و وصل
.....	تأیید مفهوم	جستن اسرار
.....	محرم راز	مستور و پوشیده
.....	برحسب فکر	زهر و تریاق
.....	ظرفیت وجودی	ولیت‌لام
.....	تجلّی و قرب	مثنوی معنوی
.....	حق تعالی	شیون و سور
.....	مستغرق	معکوس
.....	عرضه دادن	مستمع

۳۵ در کدام مورد غلط املایی وجود دارد؟

- (الف) سر کار گذاشتن - بلا غیرتاً - زل زدن - چهار نعل
 (ب) قلب فسرده - دم سطوران - ضربنی چند - اسیر یعنی
 (پ) نحس دیومانند - سپید معجر - محتاج فرمابنه - حرج و مرج فلمی
 (ت) گرزّه و شرزه - شیر ارغند - اثاث تزویر - اختر سعد
 (ث) سلانه سلانه - علف و خار - عرعر خر - عن قریب
 (۱) الف - ب - پ (۲) ب - ت - پ (۳) ت - پ - ث (۴) لف - ث - ت

۳۶ کدام واژه صحیح معنی نشده است؟

- (۱) بگسل، پاره کن، جدا کن، نابود کن
 (۲) پس افکند، پس افکننده، میراث
 (۳) زل زدن، یا چشمی ثابت و بی حرکت به چیزی نگاه کردن
 (۴) عامل تخریب، شخصی نظامی که کارش نابود کردن هدف‌های نظامی است.

۳۷ در کدام بیت غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) تا درد و ورم فرو نشیند کافور بر آن ظماد کردند
 (۲) بکن ز پی این اساس تزویر بگسل ز هم این نژاد و پیوند
 (۳) زین بی‌خردان سقله بستان داد دل مردم خردمند
 (۴) بگرای چو ازدهای گرزّه بخروش چو شرزه شیر ارغند



تست‌های درس ۶

۳۸ معنی کلمات «برحسب، مستغرق، مستمع، ناب» به ترتیب در کدام گزینه صحیح آمده است؟

- (۱) مطابق، غرق‌شده، گوینده، فروغ (۲) برطبق، شیفته، شنونده، گرم
 (۳) طبق، مجذوب، گوش‌دارنده، پرتو (۴) محاسبه، شیفته، شنونده، پرتو

۳۹ معنی واژه از میان واژه‌های زیر نادرست است.

- ایدون که، این‌چنین / پرده، حجاب / تریاق، زهر / دستور، وزیر / دمساز، دردمند / ظن،
 بندار / مستور، نوشته‌شده / سورا، جشن / شیون، ماتم
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۴۰ معنای چند واژه در داخل کمانک درست نیامده است؟

- شرحه (پاره گوشت از درازا بریده شده)، دستور (راهنمایی)، نفیر (زاری بلند)، بی‌روزی
 (درویش)، بیگانه (دیر)
 (۱) سه (۲) دو (۳) یک (۴) چهار



معنی واژه‌های «ترباق، دسنور، بی‌روزی» به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

۴۱

- (۱) پادزهر - راهنما - ناعاشق
 (۲) زهر - اجاره - درویش
 (۳) ضدزهر - امر - عاقل
 (۴) ضدزهر - وزیر - بی‌نوا

معنی واژه «پخته» در بیت زیر، در کدام گزینه تکرار شده است؟

۴۲

«در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید، والسلام»

- (۱) بلک‌ل‌آن‌مستان‌که‌چون‌می‌می‌خورند عقل‌های پخته حسرت می‌برند
 (۲) برگ زرد ریش و آن موی سپید بهر عقل پخته می‌آرد توید
 (۳) زین درخت آن برگ زردش را مبین سبب‌های پخته او را یچین
 (۴) به راه دین عوام‌لتاس عامند ندانی پخته ایشان را که خامند

معنی کدام واژه نادرست آمده است؟

۴۳

- (۱) نی حریف هر که از یاری برید برده‌هایش پرده‌های ما درید (حجاب)
 (۲) هر کسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من (گمان)
 (۳) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک‌گس‌رادید جان‌دستور نیست (اجبار)
 (۴) چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سوز (وزیر)

از میان واژگان زیر واژه، نادرست معنی شده است.

۴۴

«جفت، همراه/ مستور، همدم/ دستور، وزیر/ نقیر، ناله/ وزاری با صدای آهسته/ ترباق، زهر»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

در کدام گزینه غلط املایی نمی‌بینید؟

۴۵

- (۱) محرم راز - ظرفیت وجودی - مستمع - استقلال نحوی
 (۲) شرحه شرحه از فراغ - اسلوب معادله - مثنوی معنوی - حق تعالی
 (۳) مستغرق - بر حسب فکر - عرضه دادن - شیون و صور
 (۴) اصل و وصل - مسطور و پوشیده - زهر و ترباق - تأیید مفهوم

کدام توضیح ناصواب است؟

۴۶

- (۱) زلری و فریاد که در مصیبت و محنت بر آرند ← شیون
 (۲) کشش روح انسان خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی ← اشتیاق
 (۳) رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان‌اند ← خوش‌حالتان
 (۴) فریاد و زاری و زیر لب دشنام دادن ← نقیر

۴۷) معنی درست واژه‌های «شرحه، بیگاه، دستور، تقیر» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) پاره گوشت - دیر - اجاره - صدای کوتاه
- (۲) پاره - بی‌موقع - امر - زاری بلند
- (۳) پاره - بی‌موقع - راهنما - صدای بلند
- (۴) پاره گوشت - دیر - وزیر - فریاد بلند

۴۸) معنی واژه‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه صحیح آمده است؟

- «ایدونک - مستغرق - اسلوب - نجلی»
- (۱) این چنین که - شیفته - طرز - هویدایی
 - (۲) ایدون که - غرق شده - گونه - نور
 - (۳) این چنین - مجذوب - شیوه - پدید آمدن
 - (۴) چنین - غرق - ساختار - نمایان شدن



تست‌های درس ۷

۴۹) معنی واژه‌های زیر در کدام گزینه تملماً اشتباه آمده است؟

- «سلمان - قوت - محب - سودا»
- (۱) امکان - رفق - عاشق - خیلی
 - (۲) درخورنده - غذاها - معشوق - دیوانه
 - (۳) میسر - نیرو - بار - خیال
 - (۴) درخور - خوراک - دوست - دیوانگی

۵۰) از میان واژه‌های معنی‌شدهٔ زیر، چند واژه غلط معنی شده است؟

- (مما، مُردن) - (روحانی، ملکوتی) - (بی‌خودی، بی‌هوشی) - (فرض، ضروری) - (نعمه، ترانه) - (کمال، کامل بودن) - (بزم، ضیافت) - (جمال، زیبا)
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵۱) در میان واژه‌ها و ترکیبات زیر چند مورد غلط املائی وجود دارد؟

- «فرز راه - حیات و ممات - مصطفی - ابتحاج - حریم حُسن - شهاب‌الدین سهروردی - غایت و نهایت - معرفت و محبت - از بحر ابن معنی - عین‌الفضات - منزوی - روحانی و جسمانی»
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵۲) معنی واژه‌های «جسمانی - حُسن - شیدایی - حریم» به ترتیب در کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مادی - نیکویی - پریشانی - دیوار
- (۲) منسوب به جسم - زیبایی - دیوانگی - پیراهون
- (۳) روحانی - زیبایی - عاشقی - گرگرد
- (۴) دنیوی - زیبا - عاشقی - حرم

تشابهات املائی

اساس: پایه —————> بنایی که محکم ندارد، اساس / بلندش مکن ورکنی زو هراس
 اثاث: وسایل خانه —————> مکن از کس، اثاث خانه دریغ

اشباه: مانندها، —————> صد هزاران این چنین اشباه بین / فرقیشان هفتاد ساله راه، بین
 جمع شبه

اشباح: سیاهی‌ها، —————> بارقص صوفیانه اشباح و سایه‌هلاست / آدم که در طلسم تماشای هله‌اند
 جمع شبح

شبهه: مانند، مثل —————> به شبهه و شکل تو گر دیگران برون آیند / زمانه نیک شناسد زمرد از مینا
 شبح: سیاهی، سایه —————> آورده را به هم‌ره خود یاد برده بود / گویی خیال بود، شبح بود، سایه بود

اسیر: گرفتار —————> پادشاهی را شنیدم به گشتن اسیری اشارت کرد.
 اثیر: کره آتش —————> اثر دوزخ از نمی‌خواهی / ساکن گنبد اثیر میاش

آجل: آینده —————> گفت راحت اکنون را به تشویش محنت آجل، تیره کردن
 خلاف رای خردمند است.

عاجل: حال، عجله‌کننده —————> شربت مرگ از برای عاشقان / صحت کامل، شقای عاجل است
 اجل: مرگ —————> که فردا چو بیک اجل در رسید / به حکم ضرورت، زبان درگشی
 اجل: گرمی‌تر —————> شیخ اجل، سعدی شیرازی، در قرن هفتم می‌زیست

ایا: خودداری —————> دوستی گفت عیب من با غیر / من خود از عیب خود ایا نکتم
 عبا: نوعی لباس —————> این تلخ کام طایفه شنگ و شوربخت / زیر عبا گرفته و بر پشت پوست، تحت



آزار: ادبیت —————> ای زبردست زبردست آزار / گزم تا کی بماند این بازلا؟

آذار: معادل ماه اول بهار —————> مثال قطره بلان ابر آذاری / که کرد هر صدقی را به لؤلؤ ای حامل

آزار: سلوار —————> ردا و آزار از گیا بفته / عمامه به فرق از گیا تافته

عذار: صورت، چهره —————> بر گل سرخ از نم، اوفتاده لآلی / همجو عرق بر عذار شاهد غضبان



اصرار: پافشاری —————> دل من با چه اصراری تو را خواست / و می دانم چرا خواست

آسرار: جمع ستر، رازها —————> آسرار تو پیش کس نگویم / اوصاف تو پیش کس نخوانم



الفا: آموختن، تلقین کردن —————> هرچه خواهد می کند در کشور دل شاه عشق / عقل را کو زهره ای تا حجتی الفا کند

الفا: لغو کردن —————> و گروهی هنوز قانون الفای بردگی را جدی نگرفته اند.



آلم: درد —————> رنج و آلم اهل عامل، بدان بینهایت است که حرص، ایشان را عنان گرفته می گرداند.

علم: پرچم —————> پیش بند چرمین کاوه، همان علم با بیرق یا درفش کاویان شد.

علم: دانش —————> کس نیاموخت علم تیر از من / که مرا عاقبت نشانه نکرد

عمل: کار، مفرد اعمال —————> علم چندان که بیشتر خوانی / چون عمل در تو نیست، نادانی

آمل: آرزو، مفرد آمال —————> چندین امل چه پیش نهی، مرگ در قفا؟

تآلم: دردمندی —————> لیکن، نیاز، اصل تآلم هاست.

تعلم: آموختن —————> عقل، چون از علم کامل می شود / وز تعلم، علم حاصل می شود

تأمل: تفکر، درنگ، تدبیر —————> کارها را پیش از تأمل و تدبیر آغاز نکند.

تعمل: عمل کردن —————> بجای مدام حرف زدن باید اهل کار و زحمت و تعمل بود.

رنج بردن در کار، کوشش کردن





زنجیره‌های املایی





در عبارات زیر با توجه به معنا و ریشه کلمات و دانش
املایی، خود صورت درست املایی را برگزینید.

۱.  ملک برسید چه می‌گوید؟ یکی از وزرای ----- گفت: ملک رحمت آورد.
 بیک‌محصّر
 بیک‌محطر
۲.  دیگر برادران بلند و خوب‌روی، پدر به کراهت و ----- در او نظر می‌کرد.
 استهقار
 استحقار
۳.  رعیت از مکاید ایشان مرعوب و لشکر سلطان ----- بودند.
 معلوب
 مقلوب
۴.  سرهنگزاده‌ای بر در سرای دیدم که عقل و کیاست فهم و ----- زاید‌لوصف داشت.
 فراصتی
 فراستی
۵.  و علما را به گمراهی ----- کردن از فواید علم محروم ماندن است.
 منصوب
 منسوب
۶.  برسید موجب ----- اینان در حق تو چیست؟ همه را راضی کردم مگر حسود.
 خصمی
 خصمی
۷.  از بزرگی جور و ستمش راه ----- گرفتند و ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت.
 قربت
 غربت
۸.  درویشی را دیدم سر بر آستان کعبه همی‌ملید که یاغفور و یا رحیم تو دانی که از
 ظلوم ----- و جهول چه آید؟
 ظلوم
 ضلوم
۹.  تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت ----- تا مراقبت کنم.
 خاستم
 خواستم
۱۰.  چون به نملار برخاستند بیش از آن کرد که عادت او بود تا ----- صلاحیت در حق او
 زن
 ظن

زیادت کنند.



جگ و جانور جات

- ابریس** اسبی که دلای پوست خال دار یا رنگ به رنگ (به ویژه سرخ و سفید) است، مطلق اسب
- افسار** تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند.
- پارگی** اسب
- پاره** اسب
- تازی** اسبی از نژاد عربی با گردن کشیده و پاهای باریک
- توسن** اسب سرکش
- جال** دام و تور
- جراره** ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمی که دُمش روی زمین کشیده می‌شود.
- دد** جانور دژنده مانند شیر و پلنگ و گرگ
- رکاب** حلقه‌ای فلزی که در دو طرف زین اسب آویخته می‌شود و سوار یا در آن می‌گذارد.
- ستوران** جمع ستور، حیواناتِ چهارپا خاصه اسب و استر و خر
- سرگین** فضلهٔ برخی چهارپایان مانند اسب و ...
- سمند** اسبی که رنگش مایل به زردی باشد، زرده، مطلق اسب
- شغال** جانور پستانداری است از تیرهٔ سگان که جزء رستهٔ گوشت‌خواران است.
- شیهه** صدا و آواز اسب
- عنان** افسار، دهنه
- عتدلیب** بلبل، هزارستان







تست‌های کلی فارسی ۱۲

۴۳۲ «صاحب جمال، پسندیده، برتر، رواق» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟ **ریاضی ۹۸ - نظام جدید**

- (۱) وسیم، قداست، فراسو، طَبَق
 (۲) قسیم، صواب، ماورا، طاق
 (۳) جسیم، صواب، فایق، محراب
 (۴) نسیم، صفوت، ماسوا، بخش قوسی هر چیز

۴۳۳ معانی واژه‌ها که در مقابل آن‌ها آمده است «همگی» درست است، بجز **انجومی ۹۸ - نظام جدید**

- (۱) (مقالت: گفتار) (جُل: پوشش)
 (۲) (لطیفه: گفتار نغز) (گرم‌رو: کوشا)
 (۳) (کفایت: بسنده) (عماد: تکیه‌گاه)
 (۴) (دستاورد: پیامد) (تنیده: درهم یافتن)

۴۳۴ معنی مقابل کدام واژه، کاملاً درست است؟ **کسانی ۹۸ - نظام جدید**

- (۱) ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.
 (۲) پوییدن: حرکت و جست‌وخیز برای مقصد نامعلوم
 (۳) درهم: واحد پول طلا که ارزش آن بیش از دینار بوده است.
 (۴) دینار: واحد پول و سکه نقره که در گذشته رواج داشته است.

۴۳۵ واژه‌های کدام گزینه، در معانی «فهر آلود، نقشه، روش، حرارت» است؟ **بان ۹۸ - نظام جدید**

- (۱) شرزه، محضر، مسلک، سودا
 (۲) گرز، انگاره، نَمَط، سودا
 (۳) ارغند، انگاره، نَمَط، تیش
 (۴) ارغند، آوند، مسلک، تیش

۴۳۶ معنی مقابل چند واژه نادرست است؟ **ضر ۹۸ - نظام جدید**

- (معجر، روسری) (فاحش، واضح) (حمایل، نگه‌دارنده) (خسین، مجروح) (هریوه، ترسناک)
 (آزگلر، کامل) (تعب، سرزنتش) (روایی، رونق داشتن) (محظوظ، پست شده)
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۴۳۷ معنی واژه‌های «آخته، معوج، سجّیه، شگرف»، به ترتیب، کدام است؟ **خارج ۹۸ - نظام جدید**

- (۱) برکشیده، کج، عادت، نیرومند
 (۲) کشیده، نراست، خصالت‌ها، عظیم
 (۳) بیرون آمده، نادرست، خوی‌ها، توانا (۴) تیز و بزّان، انحراف، عادت، قوی

۴۳۸ معنی چند واژه در مقابل آن صحیح آمده است؟

- (مشایعت، استقبال) (بگاه، شامگاه) (انگاره، نقشه) (ماسیدن، پد ثمر رسیدن) (معجر، آشدان) (شهد فایق، عسل خالص) (اکراه، ناخوشایند بودن) (صنعت، کار) (حلیه، مکر)
 (۱) شش (۲) پنج (۳) چهار (۴) سه



۴۳۹ در کدام گزینه هیچ غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱) عصاۀ تاک - مین‌گزاری - محبّ و حبیب - سرشک
- ۲) مضاف‌الیه - فراز برج - مواحب خداداد - بساط تهویه
- ۳) حزین‌ترین لحن - ارتقاء ولایت - غدر ناجوان‌مردان - غو و فریاد
- ۴) دلّه شدن - تایی بی‌همتا - صلوات - ادا و اطوار

۴۴۰ معنی واژه‌های «اعراض - نیش - موبد - شگرف - نشئه» در کدام گزینه کاملاً درست آمده است؟

- ۱) روی‌گردانی - زندگی - مشاور - عجیب - کیفوری
- ۲) انصراف - حرارت - روحانی زرتشتی - نیرومند - سرمستی
- ۳) روی‌گردان از چیزی - اضطراب - روحانی - نیرومند - خماری
- ۴) روی‌گردان از چیزی - اضطراب ناشی از گرمی - روحانی مسیحی - قوی - سرخوشی

۴۴۱ در مقابل چند لغت، معنی آن صحیح نوشته نشده است؟

- ۱) (وخامت، بدفرجامی) (معلق، آویخته‌شده) (کی، پادشاه) (سریر زدن، توقف طولانی)
- ۲) (کله‌خود، کلاه فلزی جنگی) (واعظ، بنددهندگان) (قسیم، صاحب جمال) (سرور، خوشحال)
- ۳) (تقصیر، کونلهی) (جلال، شکوه)

۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۴۴۲ در کدام گزینه املای همه کلمات، ترکیبات و گروه‌ها صحیح است؟

- ۱) تحریر و کتابت - بی‌حدّ و کران - وحشی - مقلوب و مقهور
- ۲) منصوب به کاوه - بعض و اندوه - درشت و ستر - لطف
- ۳) سر منزل غایی - افسرده - غرق حیرت - زی‌حیات
- ۴) صفحه ضمیر - قدم می‌گذاری - اثنای درس - صورت ظاهر

۴۴۳ چند مورد ناصحیح، در میان موارد زیر می‌باید؟

- الف) صفوت، برگزیده از افراد بشر
- ب) کائنات، همه موجودات جهان
- ب) مفخر، مایه ناز و بزرگی
- ت) وجه، ذات
- ت) بدحالان، کسانی که سیر و سلوک آنها به سوی حق، کند است.

- ج) جسمانی، منسوب به جسم، روحانی
- ج) جزاره، ویژگی نوعی مار بسیار سمّی

۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک



تیپ A:

من املائی غیر شمارشی با جواب یک با چند واژه؛ در این تیپ می‌توانید از E-method که در فصل «دو کلمه حرف حساب» توضیح داده‌ام بهره بگیرید.

۵۱۴ در متن زیر، املائی کدام واژه، غلط است؟

«مسناجر پستان و ضامن مستقلات را که دخل به مشروط وفا نکرده باشد در استیفای مضمون سخت بگیرد و به آخر معامله چیزی مسامحه کند و بار دیگر عملی از آن با منفعت‌تر ارزانی دارد تا منافع گردد.»

(۱) استیفا (۲) مسامحه (۳) مضمون (۴) مستقلات

۵۱۵ با توجه به متن زیر، املائی کدام واژه‌ها همگی غلط است؟

«شگال گفت، من از مذلت این نهمت بیرون نیام، تا ملک جیلنی نسازد که صحت حال و روشنی کلر بدان شناسد، با آنکه به براعت ساحت و کمال دیانت خویش سیقتی تمام دارم و منیقتم که هر چند حزم بیشتر شود، مزیت و رجحان من در اخلاص و مناصحت بر همه حشم و خدم ظاهر تر گردد.»

(۱) مذلت، متیقن (۲) براعت، سیقت
(۳) حزم، مناصحت (۴) رجحان، ساحت

۵۱۶ در عبارت زیر املائی کدام واژه نادرست است؟

«سه تن آرزوی چیزی برند و نیابند، مفسدی که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مروّت توقع کند و جاهلی که از سر سفاقت و غضب و حرص برنخیزد و الحاح ورزد که با نیک مردان برابر بود.»

(۱) سفاقت (۲) الحاح (۳) ثواب (۴) سنا

۵۱۷ در متن زیر، املائی کدام کلمه نادرست است؟

«چون ملک این باب بشنود، شکر گزارد و گفت، خطا کردم که خواب بر ایشان عرضه کردم و اگر رحمت آسمانی و شفقت ایران دخت نبود، عاقبت اشارت آن دژخیمان به هلاک من و عزیزان و انبای کشیدی و هر که را سعادت ازلی یار باشد، مناصحت مخلصان و موعظت مشفقان را عزیز دارد و در کلرها پیش از تعمل و تدبیر اقدام نکند و موضع حزم و احتیاط را ضایع نگذارد.»

(۱) اتباع (۲) تعمل (۳) ازلی (۴) حزم



در متن زیر، املاي کدام واژه نادرست است؟ **۵۱۸**

«درويشی و فقر، اصل بلاها و زایل‌کنندهٔ زور و حمیت و مجمع شرّ و آفت است. عبارتی که توانگری را مدح است، درویشی را مذمت است. درویش اگر سخاوت پرزد به افراط و زیاده‌روی منسوب شود و اگر در اظهار حلم کوشد، آن را ضعف شمرند و اگر فساحت نماید، بسیار گوی باشد.»

(۱) منسوب (۲) فساحت (۳) حمیت (۴) مذمت

در متن «سپاس نور جمال، حور را شاید، نه نگار روز را، ملاحی با حازم چگونه متابعت نماید چون خورشید عالم‌آرای، سر از مطلع خویش بر آرد چراغ درویشان بی‌ضیا ماند، جان آدم، گم‌شدهٔ خود را در نور صبح کاذب نطلبد که از ضیای او شب بلدا سوزن را در میان خاک بتوان یافت.» املاي کدام واژه غلط است؟ **۵۱۹**

(۱) متابعت (۲) حازم (۳) ضیا (۴) ملاحی

در متن زیر، املاي کدام کلمه درست نیست؟ **۵۲۰**

«ملک فرمود، مانع خشم و حایل سیاست آن بود که صدق اخلاص و مناصحت نو می‌شناختم و می‌دانستم که بر تو در این محاوره، غرامتی نیست، چه می‌خواستی که فرار عظیمت ما در تقدیم و تأخیر آن غرض پشناسی و قدم در کار نهی. بدین حزم، خرد و دهای نو آزموده‌تر گشت و اعتماد بر نیک بندگی و طاعت تو پیفزود.»

(۱) حزم (۲) حایل (۳) عظیمت (۴) غرامت

در متن «هر که را سعادت ازلی یار باشد، مناصحت مخلصان و موعظت مشفقان را عزیز دارد و در کارها پیش از تأمل و تدبّر آغز نکند و موضع حزم و احتیاط را ضایع نگذارد و اگر کسی را بخت مثنوت نماید و ملازمت این سیرت دست دهد بر آن تحمید و صلّت چشم نتوان داشت.» املاي کدام واژگان غلط است؟ **۵۲۱**

(۱) نگرارد، موضع (۲) مثنوت، تأمل
(۳) مثنوت، نگرارد (۴) تأمل، موعظت

در متن زیر، املاي کدام واژه نادرست است؟ **۵۲۲**

«هر که خود در مقام حاجت فر و گذارد و در صیانت ذات خویش احتمال ننماید، دیگران را در وی امیدی نماند و سخن نو دلیل است بر قصور فهم و وفور جهل نو، ناگمان نبری که این تضرب بر رای ملک پوشیده ماند که چون تأملی فرماید و تمییز ملکانه بر نزویر نو گملازد، رسوایی تو پیدا آید و نصیحت از معاندت جدا شود.»

(۱) تأمل (۲) تضرب (۳) احتمال (۴) صیانت

در متن زیر، املاي کدام واژه غلط است؟ **۵۲۳**

«ملک را در عواقب این کار، نظری از فرایض است، که مُلک بی‌طبیع نتوان داشت و خدمتگاران کافی را به قصد جوانبِ باطل کردن از خللی خالی نماید و به هر وقت بنده‌ای در معرض کفایت مهمّات نیفتد و مرشّح اعتماد نگردد.»

(۱) طبع (۲) مرشّح (۳) معرض (۴) عواقب

در متن «عبان شهر را حضور او موافق نمود و گفتند، شایستهٔ عمارت این خطّه اوست، چه هر که در مقام توکل ثبات قدم ورزد و آن را به صدقِ نیت فرین گرداند، ثمرات آن در دین و دنیا هرچه نزه‌تر یابید. گفت، در میان شما بسیار کس به عقل و کفایت بر من رجحان دارد، اما ملک به عنایت ازلی و مساعدت روزگار و به معونت و مظاهرت یاران توان یافت.»، املاي کدام واژه غلط است؟ **۵۲۴**

(۱) معونت (۲) عمارت (۳) نزه‌تر (۴) مظاهرت

در متن، «آن را که برگزینیم، دست ایشان به گنج نعمت و حکمت رسد و در بحر دُرّ تمین و نعم ما غرق شود با لطف فرین و بارفق همنشین شود. آن را که خواهیم برداریم و آن را که خواهیم فر و گذاریم. ایشان بر مفضی و موجب ربای نفس در دام گام نهد و وذر و وبال را حمل نماید، این مفلسان در عقب آن مخلصان می‌دوند، بل به فردوس

اعلیٰ ماوا گیرند.»، املاي کدام واژه غلط است؟ **۵۲۵**

(۱) مفلسان (۲) ماوا (۳) تمین (۴) وذر

املاي کدام واژه در عبارت زیر غلط است؟ **۵۲۶**

«مهربان و بزرگان، قصد زبردستان و اتباع، در مذهب سیادت محضور شناسند و نا خصم، بزرگوار قدر، و کریم نباشد اظهار قوت و شوکت روا ندارند.»

(۱) خصم (۲) سیادت (۳) اتباع (۴) محضور

در متن، «از این اندیشهٔ ناصواب در گذر و همت بر اکتساب ثواب محضور گردان، چنان‌که غرض کشاورز در پراکندن نخم، دانه باشد که قوت اوست اما گاه که علفِ سطوران است، به تبع آن هم حاصل آید. زینهار تا در ساختنِ نوشتهٔ آخرت تقصیر نکنی.»، املاي کدام کلمه نادرست است؟ **۵۲۷**

(۱) تبع (۲) ثواب (۳) ناصواب (۴) سطور

در متن زیر، کدام واژه از نظر املايي نادرست است؟ **۵۲۸**

«مرد با خود گفت، اگر اهمالی ورزم، از فواید حزم و منافع عقل و کیاست بی‌بهره‌گردم. عزیمت بر این مکر و قدر قرار داد. ملک بقرمود تا او را گرد شهر بگردانند و برکشند. این است مثل پادشاهان و شناخت حال اتباع و احتراز از آنچه بر بدبیه اعتمادی فرمایند.»

(۱) اتباع (۲) اهمال (۳) حزم (۴) قدر



۳۸ ۳ بر حسب: مطابق، طبق /

مستغرق: مجذوب، شیفته / مستمع: شنونده، گوش‌دارنده / تاب: فروغ، بر تو

۳۹ ۳ ایدون که: این چنین که (ایدون:

این چنین) / تریاق: ضدّ زهر، پادزهر / دمسلاز: مونس، هم‌راز، درداشنا / مستور: پوشیده، پنهان (مسطور: نوشته‌شده، سطرشده)

۴۰ ۳ دستور: وزیر، اجازه

۴۱ ۴ تریاق: پادزهر، ضدزهر / دستور:

اجازه، وزیر / بی‌روزی: بی‌نوا، درویش

۴۲ ۴ بخته در بیت صورت سؤال

و گزینه (۴) به معنی کسی است که به مرحله‌ای والا رسیده و معارفی کسب کرده و عاشق و والامقام است.

۴۳ ۳ «دستور» در واژه‌نامه کتاب به

معنی «اجازه، وزیر» آمده است و البته معانی دیگری مثل راهنما و امر هم می‌دهد. در این بیت به معنی «اجازه» است، یعنی هیچ چشم ظاهری بی اجازه دیدن جنبه روحانی وجود را ندارد.

۴۴ ۳ لغات «مستور، نفیر و تریاق»

نادرست معنا شده‌اند و معنای صحیح آن‌ها به ترتیب «پوشیده، نله و زاری یا صدای بلند و پادزهر» است.

۴۵ ۱ اشکالات در سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): شرحه شرحه از فراق (دوری) / گزینه (۳): شیون و سوز (شادی) / گزینه (۴): مستور و پوشیده

۴۶ ۴ نفیر: فریاد و زاری به صدای بلند

۴۷ ۴

۴۸ ۱ دقت کنید ایدونک «یعنی ایدون

که، این چنین که»، نه «این چنین».

۴۹ ۲ سلمان: درخور، میسر، امکان /

قوت: خوراک، رمق، نیرو / محمد دوستدار، یار، عاشق / سودا: خیال، دیوانگی

«دقت کنید در صورت سؤال معنی غلط همه واژه‌ها خواسته شده است!

۵۰ ۱ جمال: زیبایی، زیبایی ازلی

خداوند («زیبا» صفت است، ولی «زیبایی» اسم است).

۵۱ ۳ «فرض راه- ابتهاج- از بهر این

معنی» صحیح است.

۵۲ ۲ جسمانی: منسوب به جسم، مقابل

روحانی / حُسن: نیکویی، زیبایی (نه زیبا!) / شیدایی: دیوانگی / حریم: پیرامون، گراگرد، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد.

۵۳ ۴ جریغ: تلفظ محلی جِراغ نزد

مردم سیرجان / صباح: بامداد، سپیده‌دم، بگاه / بلاسته: وابسته، پیوسته، مرتبط /

فرخنده‌پی: خوش‌قدم، نیک‌پی، خوش‌یمن

۵۴ ۲ استبعاد: دور دانستن / مستعجل:

شتابنده (آجل: آینده) / معان: موبدان زرتشتی (نه موبد زرتشتی) / فرسخ: واحد مسافت تقریباً معادل ۶ کیلومتر

۵۵ ۱ اشکالات سایر مولد: ملا عاشیه:

ماری بسنیل خطرناک در دوزخ (نه برزخ!) / طبق: سینی گرد بزرگ و معمولاً چوبی

۵۶ ۲ «نواحی عالم» صحیح است.

نواحی جمع ناحیه است.